

حدیث نی،  
شرح نی نامہ مولانا رحمہ اللہ

بہ قلم:  
ملا اسعد ساعدی دوویسہ

|                       |                                                                      |
|-----------------------|----------------------------------------------------------------------|
| رشناسه                | : ساعدي دويسه، اسعد، ۱۳۶۷ -                                          |
| عنوان، قراردادي       | : مثنوي، برگزيده، شرح                                                |
| نویسنده و نام پديدآور | : حديث ني، شرح ني نامه مولانا رحمه الله به قلم اسعد ساعدي دوويسه.    |
| مشخصات نشر            | : سندج: انتشارات شيخي، ۱۳۹۷.                                         |
| مشخصات ظاهري          | : ۷۷ص.                                                               |
| شابک                  | : ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۸-۵۵-۰                                                  |
| وضايت فهرست نویسی     | : فيبا                                                               |
| موضوع                 | : مولوي، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق.                          |
| موضوع                 | : Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۷۲-۱۲۰۷             |
| موضوع                 | : مولي، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوي. ني نامه -- نقد و |
| تفسير                 |                                                                      |
| موضوع                 | : Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad, ۱۲۷۲ - ۱۲۰۷             |
|                       | : Masnavi . Naynomch -- Criticism and interpretation .               |
| موضوع                 | : مولوي، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوي. ني نامه. شرح    |
| موضوع                 | : Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad, ۱۲۷۲ - ۱۲۰۷             |
|                       | : Masnavi . Naynomch .                                               |
| موضوع                 | : شعر فارسي -- قرن ۷ق. -- تاريخ و ادب                                |
| موضوع                 | : ۱۳th century -- History and criticism -- Persian poetry            |
| شناسه افزوده          | : مولوي، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوي. برگزيده . شرح   |
| رده بندي كنگره        | : ۱۳۹۷ ح ۱۶۴ س/۱ PIR۵۳۰۱                                             |
| رده بندي ديويي        | : ۳۱/۸۵۱                                                             |
| شماره كتابشناسي ملي   | : ۵۳۰۴۵۷۰                                                            |



۰۸۷ - ۳۳۱ ۵۴ ۱۵۲  
+۹۸ ۹۱۸ ۷۸۲ ۰۴۸۸

سندج پاشاژ حری:

## حدیث نی، سر نی نامه مولانا رحمۃ اللہ علیہ

|                                                        |                       |
|--------------------------------------------------------|-----------------------|
| حدیث و سر نی نامه مولانا <small>رحمۃ اللہ علیہ</small> | * نام کتاب:           |
| مولانا ساعدی دوویسه                                    | * گردآورنده:          |
| اول: 1397                                              | * نوبت چاپ:           |
| جلد 100۹                                               | * تیراژ:              |
| صفحه رقی                                               | * تعداد صفحه و قطع:   |
| صوبه                                                   | * صفحه آرای و گرافیک: |
| انتشارات ش                                             | * ناشر:               |

شابک: 978-600-6358-55-0

قیمت:

ISBN: 978-600-6358-55-0

6,500 تومان

## فهرست

|         |                         |
|---------|-------------------------|
| ۷.....  | مقدمه                   |
| ۱۳..... | زندگی نامه              |
| ۱۳..... | لقاب مولانا             |
| ۱۳..... | مسافرتهاى مولانا        |
| ۱۴..... | ازدواج مولانا           |
| ۱۴..... | سفر برای تحصیلات تکمیلی |
| ۱۵..... | داستان آشنایی با شمس    |
| ۱۶..... | آثار مولانا رحمه الله   |
| ۱۷..... | نی نامه                 |
| ۵۶..... | مختصری از مفهوم نی نامه |
| ۷۳..... | اهمیت مرشد:             |
| ۷۴..... | خاتمه                   |
| ۷۷..... | منابع                   |

# بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه:

حد و حساب و ثنای بی اندازه و نهایت لایق خداوندی است که در سراقق لم یزلی معروف به فردانیت است و بر سریر لا یزال، موصوف به وحدانیت می باشد. ملک و پادشاهی که قل اللهم مالک ددای بند ملکوتیش و کل شیء هالک ندا و آواز پر خروش جبروتش، خداوندی که حاصل معرفت اهل معرفت و سالکان اهل سلوک عجز و حیاء در خیر ما عرفناک حق معرفتک و اندوختهی اهل عبادت اعتراف به قصور و اعداء و ما عبدناک حق عبادتک می باشد.

زهی جاه و جلال و قدرت و عز که در اوصاف او عقلست عاجز  
کرا یارای احصای ثنائش کرا امکان وصف کبریایش

و بعد صلاة و صلوات زاکیات که سبب مسرتی گردد و هدیهی تحیات  
نامیش که پاکی آن باعث قوت جان شود.

سلامی چون نسیم سنبلی و گل که از بستان صفا آید بهرگاه

به اندازهی قطرات امطار و انفاس خلایق و حرکات فلکیات و تسبیحات  
ملکوتی ملک بر مرقد پاک و مطهر شمس عالم ناب بطحی و یثرب  
حضرت شاه رسالت و ماه آسمان جلالت قطب و عالی مند سیادت و  
تخت و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین و سرحلقهی کنت نبیا و آدم بین

الماء والطین و دارای صفات کریم و شهرت یافته به خلق و انک لعلی خلق عظیم محل تجمع تمامی صنوف شمایل جود و کرم و بخشش و مظهر فن و علمک ما لم تکن علم و محرم اسرار و خلوت برای یار زیر نشان لی مع الله و بشارت دهنده‌ی بر سر لاتقنطو و سرو سرسبز و بلند قامت قم فأنذر و عندلیب خوش لحن و آواز و ربک فکبر.

آن شاه صاحب تاج لولاک بر آفرینش و گوهر دریای هستی، قافله سالار خداپرستی و کلید در جود و مرحمت کسی که گرد راهش مرهمی چشم اولیا و اصفیا، حضرت محمد المصطفی علیه من الصلوات افضلها و من التحیات اکملها و لطف و رحمت در خوان هم، درود بی پایان بر ارواح مقدسه‌ی اهل بیت آگاهان بر سر نهانی ما، از امت و بر روح بزرگ راهنمایان عالم ملکوت و راه بلند و پیشوایان سالک، جبروت چهار یار همیشه جان فدا و عاشق و انور حضرات ابوبکر، عمر، عثمان، حیدر و بر جمیع اصحاب کبار اعم از مهاجر و انصار و تابعین و تبی آنها و امت آن حضرت تا يوم القرار. بنده حقیر سراپا تقصیر هیچ دست خودم را لایق ندانسته و نخواهم دانست که در مورد کلام بزرگان انهار عظمی کم یا از آگاهی و معرفت به آنها سخنی به میان آورم. مثنوی مولانا را نیز کتب و اقوال بزرگان کسی را می طلبد چنانچه درضمن بحث خواهم نمود خود اهلیتی داشته باشد تا بتواند زدریای معانی آنها جرعه ای بکشد. و به سمع شنوندگان برساند.

حال این بنده ناچیز با استفاده از مدت زمانی که در خدمت بزرگان بوده آثار عرفانی نامی فارس و کرد را تا اندازه ایی مطالعه کرده و با آنها انس گرفته ام قسمتی از معانی الفاظ نبی نامه حضرت مولانا را برای آسان تر فهم شدن معانی آن زیر بحث و گفت و گو قرار خواهم داد.

مثنوی مولانا چنانچه خود ایشان می‌فرمایند دکانی است که به طرف وحدت است.

مثنوی ما دکان وحدت است      غیر واحد هرچه بینی آن بت است  
هر دکانی راست بازار دگر      مثنوی دکان فقر است ای پسر

مهم است که تمام معانی مثنوی در نی نامه نهفته است از انس عالم و روز است می‌گوید که مخاطب او کسانی هستند با آن عالم آشنایی دارند و همچو وی از درد دوری، رنج می‌کشند.

هدف این فقیر عزیز در این رساله این لمحه‌ی کوچک به نی نامه‌ی مولانا رحمه الله بیان آن لمحه‌ی سیر و سلوک که اعم از پیر و مرشد و راهنمای راه است می‌باشد که تمام مثنوی به آن اشاره شده است. مولانای بلخی رومی رحمه الله سلسله عرفانی، اصول اساسی آن و ریاضت و برنامه‌ی ریاضت و لازمه‌ی آن را بیان نموده است.

عرفان که در مقوله‌ی علم قال نیست بلکه هنر یا همان ذوق درونی است پس برای عارف شدن و دسترسی به عالم بالا از خط برهان و استدلال و قاعده باید گذشت که تنها راه رسیدن به سر منزل مقصود استعداد باطنی فرد و قوه‌ی ایمان و باور وی می‌باشد.

شریعت اسلام مجموعه‌ی دستورالعملها و برنامه و قوانینی است که به وسیله‌ی آن تقرب حاصل شود و طریقت نیز به فرد طالب عارف کمک می‌کند تا چگونگی دیدار و وصال را برایش سهل و آسان کند. آری که شریعت با علم و عمل اجرا می‌شود ولی طریقت با جذبه‌ی باطنی و شور و ذوق و شوق به ثمر می‌نشیند و به گفته‌ی پیر طریقت نقشبندی خواجه بهالدین رحمه الله طریقت، خادم شریعت است.

در میدان پر خیر و برکت شریعت انسان محتاج بلوغ و حد تکلیف و علم و عقل و درایت می باشد که در بازار طریقت و عرفان شرایط اهلیت عبارت است از عشق و جنون که به ظاهر دو مقوله ی جدا از هم به نظر می آیند ولی بزرگترین اثرات طریقت استعانت بخشیدن به فرد سالک در اجرای شریعت است آنهایی که طریقت را جدا از شریعت می دانند دچار کج فهمی شده اند زیرا طریقت بهتر و کامل تر و شایسته تر عبادت کردن و مطیع بودن را به ما می آموزد شریعت همان بحث تعلیم و تعلم است و عرفان نیز همان بحث تزکیه که در کلام رب العالمین در آیات متعدد به چشم می خورد و گاهی اوقات بحث تزکیه از تعلیم و تعلم پیشی گرفته است یعنی اجرای شریعت زمانی در انسان لذت بخش خواهد بود که به مقام تزکیه درون رسد و آنچه قرآن می فرماید که ما پیامبری را فرستاده ایم تا آنها را تزکیه کند و فاعل تزکیه شخصی غیر خود فرد است به همین خاطر عرفاء بزرگ مثل مولانا رحمته الله اخذ مرشد کرده اند و شمس رحمته الله را شمس راه خود قرار داده اند تا به وسیله ی ایشان طی سفر آسان گردد.

به هر حال دلایل مستندات برای اثبات در شان معلم معنوی بسیار زیاد است زیرا جمعی دیگر این احوالات باطنی را علم باطن یا طبق فرموده ی نبوی علم قلب نامیده اند و یاد گرفتن هر علم را بدون استاد غیر ممکن دانسته اند (العلم علما ن علم فی الالبان و علم فی القلب) که علم لسان همان بحث تعلیم و تعلم علم ظاهر و علم قلب همان مبحث تزکیه یا طبق احادیث صحیح مقام احسان می باشد. مولانا بلخی رومی رحمته الله را می توان نخبه و اثر گذار ترین عارف عرصه ی عرفان و تصوف دانست هر عارفی خصوصیت خاص خود را داشته است مثلا احمد غزالی زبان گرم و ابوسعید آرام و خوش ذوق، جرأت



و توانایی حلاج و شوق و شیدایی بابا طاهر و عشق حافظ و قدرت سعدی به راستی تمامی این صفات در مولانا رحمته دیده می‌شود.

در این حال نکته ای به ذهنم رسید که شاید کسانی با نام آن آشنا نباشند ولی اگر دیوان علامه‌ی عارف فنایی و مولوی گُرد و نالی و ناری و محوی و قانع و وفایی و دیگر بزرگان گُرد را مطالعه کنید به عشق و روش و آوازهای همچو آواز مولانا رحمته پی خواهید برد. که به امید حق در ترجمه و شرح ابیات به طور خلاصه ایی به اشعار این بزرگان اشاره خواهیم کرد تا روشن شود که کار اهل تصوف از اصحاب سلفه گرفته تا بصری رحمته و بایزید رحمته و مولانا رحمته و مولانای شهرزوری رحمته و سیریه رحمته و تربیت شدگان آن مکتب به هم متصل بوده اند.

و اگر کسی به عرفان و تصوف چیزی را اضافه کرده باشد و یا به عرفان نسبت دهد نمی‌تواند این سابقه‌ی درخشان و مآمال از خدمت به شریعت را لکه دار کند.

مولانا رحمته و همانندان وی همیشه دست گرفتن به شریعت غرای محمدی را وسیله نجات از هر پیچ و خم و سبک و اسارت نفسانی دانسته‌اند. از اینجا است که خواجه نقشبند رحمته می‌فرماید: هر که با شریعت راست آمد فیها و نعمه و الا شریعت بگردان را گذار یا جایی دیگر می‌فرماید اصل همه چیز شرع و ماسوای شرع اند. شیخ محمود شبستری رحمته می‌فرماید:

من نمی‌گویم که این عالیجناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب  
یا در جای دگر که به شیخ بهایی رحمته نیز نسبت داده شده است:

هست قرآن با زبان پهلوی      مثنوی معنوی مولوی

بنابراین چنانچه برای قرآن کریم تفاسیر مختلفی توسط مفسران بیان شده است و گاهی نیز نظریات مفسرین به ظاهر با هم مختلفند در شرح قرآن عجم نیز که مثنوی مولانا است شرح های مختلفی وجود دارد به همین خاطر اگر در تفسیر اشعار ظاهر کلمات کمی متفاوت بود به خاطر غنی بودن کلام مولانا رحمه الله است.

اینجانب نیز هیچ وقت به فکر شرح کلام مولانا رحمه الله نبوده ام و خودم لایق نمی دانم ولی مقصودم این است که در معنی ابیات و مفهوم آثر آنها به موافقه ای اقوال و اشعار سایر بزرگان ملت گُرد اشاره ای داشته باشم که یقین دارم و اسرار و تشویق بعضی از اساتید و دوستان آشنایان به دراز طریقت قدرت بیشتری به بنده ی حقیر بخشیده تا این کار را شروع کنم ان شاء الله نیت اینجانب رضای حق بوده و شما سروران نیز مرا از دقایق خیرتان محروم نفرمائید.